فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی

شماره مجوز: ۹۴۲۲۱ ((سال اول-تابستان ۱۴۰۲))

اثربخشی روش های نوین پرورشی در بروز خلاقیت دانش آموزان[۱]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۵/۲۴، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۰۸)

زهرا احمدی

کد پرسنلی ۳۵۰۱۰۳۷۴

چکیده

در گذر زمان، اندیشه‌ورزان روش‌های تدریس نظامند و خلاقانه‌ای را پدید آورده‌اند. هریک از روش‌های تدریس، زمانی که پدید آمدند برای تسهیل یادگیری یادگیرندگان، اثربخش ارزشیابی می‌شدند. اکنون، برپایه دست‌آوردهای علمی هم روش‌های تدریس برای تسهیل یادگیری پیشنهاد می‌گردند. آنچه در این میان حائز اهمیت است آن است که معلمان و مدرسان خود را در برابر تنوع روش‌های تدریس نبازند. شایسته است، آنان نوع نگاه خود را نسبت به تسهیل یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان یا کارآموزان روشن سازند. افزون بر این، معلمان و مدرسان در تصمیم‌گیری برای استفاده از روش-های تدریس باید انتظارات خود و نظام آموزشی از یادگیرندگان را نیز در نظر آورند. چنین اقداماتی، در کنار ملاحظات دیگر، نظیر: در نظر گرفتن امکانات، فضا، زمان، عده یادگیرندگان و... سبب می‌شود روش تدریس مناسبی برای تسهیل یادگیری برگزیده شود. از این رو در این تحقیق سعی بر آن است در رابطه با روش‌های نوین در آموزش و پرورش و به ویژه در کلاس درس مطالبی بیان گردد و ابتکارات نو که امکان پرورش استعدادهای کودکان و نوجوانان را دارد برشمرده شود.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، تدریس نوین، معلمان، دانش‌آموزان

[۱] این مقاله به عنوان یکی از ده مقاله برتر پنجمین همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام که در اسفندماه ۱۴۰۱ توسط موسسه قانون یار برگزار گردید، انتخاب شده است و علاوه بر چاپ مقاله در همایش مذکور، در فصلنامه حاضر پذیرش و چاپ گردید.

بخش اول: کلیات

بند اول: مقدمه

این واقعیت است که انسان‌ها با داشتن اهداف و آرمان‌های بزرگ و در سایه کنش‌ها و واکنش‌ها همه نیروهای خود را به کار می‌اندازند و از تمام امکانات خویش بهره می‌جویند. مسئله پرورش و خلاقیت کودکان و دانش‌آموزان با اصول درست و به‌جا و استفاده از محرک‌ها، امکانات و مهارت‌های ضروری امری بسیار مهم است. به هر حال تربیت نسلی خلاق و با استعداد در نظام آموزشی کاری هرچند سخت اما ممکن است؛ آموزگاران و معلمان علاوه بر سنجش توانمندی‌های دانش‌آموزان، می‌توانند با کمک به آنها با ایجاد انگیزش درونی و بیرونی، یک فرد باهوش و با مسئولیت را پرورش دهند. تکنولوژی و علوم و فنون جدید تأثیرات فراوانی در شکل‌گیری شخصیت کودک و تقویت مهارت‌های اجتماعی و روانی او دارد. فعالیت‌های پرورشی جدید و نو موجبات رشد آگاهی و مهارت-های دانش‌آموز را تقویت می‌کند. همچنین با آموزش روش‌های نوین در نظام آموزشی می‌توان از بروز برخی از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی دانش‌آموز جلوگیری کرد. تقویت حس اعتماد به نفس، تقویت یادگیری اطلاعات جدید، تقویت هوش منطقی و هیجانی، تقویت حس تعامل با دیگران و تقویت حس مسئولیت‌پذیری از وظایف سیستم آموزشی است که باید به آن عمل شود. اگر این شیوه، با همکاری معلمان و دانش‌آموزان انجام گیرد نتایج بسیار شکوفایی به دست خواهد آمد. تقریبا همه مردم ایجاد مهارت در خواندن، نوشتن و حساب کردن را به عنوان هدف اصلی آموزش و پرورش رسمی پذیرفته‌اند، لیکن درباره هدف‌های دیگر آموزش و پرورش اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. آموزش در لغت به معنای انتقال معلومات و مهارت‌ها به دیگران است، به طوری که این معلومات و مهارت‌ها به کار آیند و موجب تحول و دگرگونی در رفتار شوند. پرورش به معنای فراهم آوردن زمینه برای شکوفایی توانایی‌های درونی و استعدادهای طبیعی است. آموزش، که به عنوان وسیله یا زمینه‌ساز پرورش است، همراه با پرورش به صورت دو مفهوم مترادف، معادل با واژه تربیت، که آن نیز به معنای پروردن و بارآوردن است، به کار برده می‌شود. آموزش نوین می‌تواند جریانی منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد شناختی، اخلاقی، جسمانی، روانی و اجتماعی شخصیت دانش‌آموزان باشد را به وجود آورد و موجب رشد و پیشرفت همه‌جانبه سیستم آموزشی کشور گردد، بنابراین آموزش زمینه‌ای است برای پرورش.

بند دوم: پیشینه تحقیق

نزدیک به یک دهه است که توجه به کاربست اقدام پژوهشی در محیط‌های مدرسه‌ای و درون کلاسی مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در ایران نیز چنین توجهی به اقدام پژوهشی پا گرفته

است. به طوری که از چند سال پیش، پیشبرد کلاسی تحقیق در عمل در چارچوب طرح معلم پژوهنده به مورد اجرا درمی‌آید. به هر روی، پویایی هر معلمی به میزان سؤال‌ها و کاوش‌های او برمی‌گردد که وی در فرآیند یاددهی- یادگیری در نظر آورده است. اقدام پژوهشی می‌تواند عامل بسیار محرک و سازنده‌ای در پویایی معلمان باشد. معلمان می‌توانند تجارب خود از اقدام پژوهشی را به دانش‌آموزان نیز سرایت دهند. معلمان می‌توانند در هر پایه‌ای که تدریس می‌کنند و در چارچوب موضوعات مختلف، دانش‌آموزان را به اقدام پژوهشی تشویق کنند. اگر دانش‌آموزان پژوهنده‌ای داشته باشیم بی‌شک باید آن را ثمره کوشش‌های محققانه معلمان دانست.

بند سوم: اهداف تحقیق

برای انجام اقدام پژوهشی به صورت نظامدار، مانند هر پژوهش دیگری، در نظر گرفتن گام‌های روشن و هدایت کننده نیاز است. معلمانی که پژوهشگران صحنه عمل هستند، می‌توانند با تمرین چند پژوهش، گام‌های خود را سازماندهی کنند. حلقه‌ای از آموزش و پرورش ممکن است شامل فرآیندهایی باشد که تنها برای فراهم آوردن موجبات رشد کیفیات مطلوب (توانایی‌ها و استعدادهای طبیعی) بدون هرگونه تأکید بر فهم و معرفت به کار برده شود. حلقه دیگری از مفهوم آموزش و پرورش ممکن است فرآیندهایی را دربرگیرد که تنها برای فراهم آوردن رشد فهم و معرفت در فرد در نظر گرفته شود، بدون اینکه بر جنبه مطلوبیت آن و یا رشد بدنی تأکید کند. سرانجام حلقه جدیدتر و اخص‌تر مفهوم آموزش و پرورش، که در واقع از تلفیق دو مفهوم اخیر حاصل می‌شود، به مجموعه فرآیندهایی اطلاق می‌شود که نه تنها موجبات رشد همه توانایی‌های فرد را، به ویژه کیفیات ذهنی که متضمن فهم و معرفت به طور وسیع و عمیق است، فراهم می‌آورند، بلکه به مطلوبیت آن‌ها نیز نظر دارند. باید در مدارس طبق الگوی پیش رو و بر پایه این امر در مفهوم اخیر با هدف رشد عقلانیت و ابتکارات و پرورش نوآوری و خلاقیت ذهنی دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی کنیم و روش‌های جدیدی را برای دانش‌آموزان خصوصا در دوران ابتدایی به کار بریم که موجبات علاقه و تمایل آن‌ها به کتب درسی و همچنین پرورش استعدادهای آنان شود. از این حیث، هدف باید کشف نبوغ و پرورش در نظر گرفته شود و معلمان آگاهانه در این راه قدم بردارند.

بند چهارم: ضرورت تحقیق

ما در نظام آموزشی به شیوه‌های نوین و جدید برای تدریس و تشویق دانش‌آموزان نیاز داریم. لذا در این تحقیق به معرفی شیوه‌های نوین در مدارس می‌پردازیم. خلاقیت و ابتکار در شیوه تدریس بسیار مهم است؛ اگر در محیط آموزشی طرح‌های نو و اطلاعات جدیدی به منظور تسهیل در آموزش و یادگیری دانش‌آموزان و همچنین ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعاتی که با پرسش و پاسخ و ابتکار معلم

و مدرس صورت گرفته تقویت شود و به کار برده شود، سیستم آموزشی می‌تواند گام‌های بزرگی در این راه بردارد. لذا باید شیوه‌های پرورش مهارت‌های تفکر در قالب محتوای دروس را بررسی و برای کسب تسلط بر اقدام پژوهشی ممارست و تمرین بسیار کنیم. به همین دلیل آگاهی از نحوه برنامه-ریزی برای این اقدام، بسیار مهم و ضروری است؛ ماهیت و روش این اقدام باید در دستور کار قرار گیرد و کیفیت آن نیز بررسی شود.

بند پنجم: سؤالات تحقیق

۱-روش‌های پرورش نوین کدام است؟

۲-روش‌های نوین پرورش چه تأثیری در بروز خلاقیت دانش‌آموزان دارد؟

بخش دوم: اسلام طرفدار علم

اسلام از ابتدای طلوع خود به حمایت و طرفداری از علم و دانش برخاست. تحصیل دانش را برای هر فردی لازم شمرد و برای همگانی شدن فرهنگ آموزش و پرورش، احتکار علم را ممنوع ساخت. دانشمندان و استادان را به آموزش شاگردان و توسعه و گسترش فرهنگ و دانش تشویق و ترغیب کرد. پیشوای عالیقدر اسلام، علاوه بر اینکه از لحاظ اخلاقی و تکالیف فردی برای ترویج علم و فرهنگ همه‌گونه ترغیب و تشویق‌های لازم را می‌کرد، عملا نیز از هر موقعیتی برای بالا بردن سطح معلومات مسلمانان و توسعه سواد و دانش استفاده می‌فرمود. این نمونه تاریخی و خوب، نشان-دهنده این حقیقت است که تا چه اندازه پیشوای اسلام برای آشنا ساختن مردم بی‌سواد با دانش اهتمام داشته‌اند.(الماسی، ۱۳۷۷، ص۲۸۵) در واقع اسلام از همه مکاتب مصمم‌تر است چرا که به دنبال تزکیه نفس انسان‌ها و سفارشات متعدد به تفکر و تعقل است؛ سیر علم‌آموزی و گسترش علوم بعد از اسلام به شدت فراگیر شد و آیات قرآن خط‌مشی اصول آموزش و پرورش و فرهنگ شده است. رسول خدا(ص) تعلیمات خود را براساس اوضاع اجتماعی و با روش‌های خاصی انجام می‌داد. علاوه بر تأثیری که سخنان او داشت اساسا تمامی حرکات و رفتارش تعلیم و تربیت بود. نخستین جلسات تعلیم و دعوت پیامبر اسلام (ص) طبق امر خداوند و با تعلیم قرآن شروع شد(الماسی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۷): ﴿ و ما قرآن را برای تو فرستادیم تا آنچه را که برای مردم فرستاده شده است برایشان بیان کنی، شاید اندیشه کنند.﴾ (قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۴۴)

بخش سوم: مدرسه‌ی تفکر یک اجتماع مراقبتی است

اولین و ابتدایی‌ترین محل برای آموزش دانش به طور عام خانه بوده است و پدر و مادر عهده‌دار آموزش و پرورش بوده‌اند، ولی به مرور و پا به پای تحول اجتماعات و تمرکز خانواده‌ها، مکان آموزشی به خانه مربی انتقال یافت که می‌توان آن را نخستین محل تدریس گروهی یا مکتب‌خانه به

حساب آورد.

یادگیری و عمل، به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان پرورشی در محیط ایمن و اطمینان‌بخش به وقوع می‌پیوندد. محیطی که پر هیجان و عاری از آسایش باشد زمینه مناسبی برای یادگیری ایجاد نمی کند. مدیریت مطلوب کلاس درس از سوی معلم سبب می‌شود فضای کلاس برای یادگیری اثربخش آماده گردد. (آقازاده، ۱۳۸۴، ص ۲۳۱) احتمالا این ضرب المثل مشهور آفریقایی را شنیده-اید که "پرورش کودک را روستا بر عهده می‌گیرد". این ضرب المثل به صورت ساده و روش بیانگر دشواری پرورش کودکان در جوامع بزرگ، پیچیده و تکه‌تکه شده ماست، آن هم در تقابل با اجتماع همبسته یک روستای سنتی. این ضرب المثل همچنین به ما یادآوری می‌کند که تربیت کودک تا چه اندازه نیازمند صرف انرژی، تخصص و پشتکار است. البته هنگام مقایسه میان جامعه خودمان و تصویر انتزاعی از یک روستا، باید مراقب باشیم که در هر دو مورد دچار کلیشه‌ها نشویم. این ضرب المثل آفریقایی، همگانی است، زیرا ما حقیقت بنیادی آن را تشخیص می‌دهیم. مدارس می‌توانند اجتماعاتی دلپذیر و فراگیر باشند و کودکان و کارکنان را همراه با یکدیگر در اقدامی مشترک قرار دهند، اما تمام مدارس این کار را به بهترین نحو مدیریت نمی‌کنند. در هر موقعیتی نمی‌توان رویکرد واحدی را برای آموزش در کلاس به کار برد، اما شواهد امیدبخشی از مدارسی به دست آمده است که مدل" قدرت یادگیری" کلکستون یا "فلسفه برای کودکان" یا رویکردهای دیگری را پذیرفته‌اند. این رویکردها، به رشد انواع مهارت‌های گوناگون کمک کرده‌اند. فلسفه برای کودکان، آموزش خاص و پرباری را برای رشد آموزگاران و کودکان در مدرسه فراهم می‌کند. زندگی کودکان در خارج و داخل مدرسه پیوسته پرسش‌هایی را به وجود می‌آورد که می‌تواند کندوکاو فلسفی را برانگیزد: تقسیم منصفانه چیزها، مجازات در پی رفتار ناخواسته، حیرت از یک قطعه موسیقی زیبا (حوزه فلسفی زیبایی شناسی)، غم و افسردگی ناشی از مرگ عزیزان و نظایر این. همانند بزرگسالان، کودکان می‌توانند شیفته تفکر عمیق و به آن علاقه‌مند شوند، کودکان نمی‌توانند و احتمالا نخواهند توانست درگیر رشته پیشرفته و دشوار فلسفه به آنگونه که برای دانشجویان تدریس می‌شود بلکه آنها درگیر فعالیت-های مشابهی می‌شوند که با زندگی خودشان ارتباط دارد.(اسمیت، ۱۳۹۶، صص ۳۰۲ و ۳۰۱) در عصر حاضر، بر اثر تحولات اجتماعی و فرهنگی، آموزش و پرورش و نهادهای آن از بیخ و بن دگرگون شده و مأموریت خطیر پرورش و آموزش نسل‌های نوخاسته از جهات مختلف به نظام‌های آموزشی سپرده شده است. امروزه، مدیریت آموزشی، غالبا به مفهوم رهبری، راهنمایی، اصلاح و تغییر مورد نظر است. از این رو، نیل به هدف‌های عالی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای، مستلزم تجدید سازمان و نواندیشی در مدیریت نظام آموزشی است. (علاقه‌بند، ۱۳۹۳، صص ۶۲ و ۶۱)

بخش چهارم: با چه وسیله‌ای می‌توان دانش‌آموزان را با انگیزه ساخت؟

برخی از اصول اساسی به دست آمده از تحقیقات عبارتند از:

۱-دانش‌آموزان از طریق یادگیری شرایط و فعالیت‌هایی برانگیخته می‌شوند که الف: آنها را در هماوردجویی شخصی و فعالانه یادگیری درگیر کند و ب: به آنها اجازه داده شود تا دست به انتخاب-های شخصی بزنند و مقتضیات تکالیف را با ظرفیت‌هایشان هماهنگ سازند.

۲-انگیزش دانش‌آموزان در صورتی افزایش می‌یابد که دریابند تکالیف یادگیری، الف: به طور مستقیم یا غیرمستقیم با نیازها، علایق و اهداف شخصی آنها مرتبط است و ب: سطوح دشواری آن به گونه-ای است که می‌توانند به صورتی موفقیت‌آمیز آنها را انجام دهند.

۳-انگیزش ذاتی دانش‌آموزان به یادگیری می‌تواند در محیطی امن، اعتمادبخش و حمایتگرانه پرورش یابد که دارای این ویژگی‌ها باشد: الف: بزرگسالان، در روابط کیفی توأم با توجه، توانمندی-های بالقوه جوانان را دریابند؛ ب: نیازهای منحصر به فرد دانش‌آموزان از نظر یادگیری و آموزشی مورد حمایت قرار گیرد. و ج: فرصت‌هایی برای خطر کردن، بدون ترس از شکست خوردن را برای دانش‌آموزان فراهم کند.

بنابراین تدریس می‌باید فرآیندی باشد که دانش‌آموزان را به کنترل یادگیری خود مشتاق سازد و همچنین، سطوحی از کنترل را که مناسب با توانایی‌ها و استعدادهای هر دانش‌آموز در انجام تکالیف یادگیری خاص است، فراهم آورد. (مک کومبز و پاپ، ۱۳۸۸، صص ۴۴ و ۴۳)

ایجاد محرک و انگیزش فقط بر عهده معلم نیست؛ گاهی چیدمان کلاس و معماری ساختمان مدرسه یک عامل انگیزه بسیار مهم به شمار می‌رود. از طرف دیگر اگر دانش‌آموزان با علاقه در کلاس درس شرکت کنند انگیزش درونی آنان بیشتر می‌شود و احساس رضایت خاطر مضاعفی نسبت به روش تدریس پیدا می‌کنند؛ صمیمیت و ارتباط بین معلم و دانش‌آموز در یادگیری مؤثر است، البته این امر نباید موجب شود که دانش‌آموز احساس راحتی کند و از تکالیف و وظایف خود شانه خالی کند. لذا به کار بردن این روش‌ها باید مناسب کلاس درس و موقعیت هر منطقه باشد.

بخش پنجم: کمک به دانش‌آموزان برای درک ارزش یادگیری

راهبرد مهمی که معلم می‌تواند در کمک به دانش‌آموزان برای افزایش خودانگیزشی و به طور کلی، تحول خود به کار گیرد، آموختن این مهم است که خود آنها، فرایند یادگیری و فعالیت‌های ویژه یادگیری را ارزشمند تلقی کنند. دانش‌آموزان با پی بردن به فرآیندهای تفکر خود می‌توانند به ارزش ذاتی و انگیزه طبیعی خود نسبت به یادگیری آگاه شوند. ورای این مهم، اولین قدم این است که معلمان، شخصا بتوانند هر دانش‌آموز را بشناسند و آنها را در تعریف اهداف و علایشقان کمک کنند.

برخی از این راهبردها عبارتند از:
۱- تشخیص نیازها، علایق و اهداف منحصر به فرد دانش‌آموزان.
۲- کمک به دانش‌آموزان برای تعریف اهداف فردی خود و آنچه که به اهداف یادگیری آنها مربوط می‌شود.
۳- مرتبط کردن اهداف کلی یادگیری با علایق و اهداف منحصر به فرد دانش‌آموزان.
۴-سازماندهی اهداف و فعالیت‌های یادگیری به منظور تشویق دانش‌آموزان به موفقیت‌های فردی.
۵-استفاده از سرمشق برای آگاه کردن دانش‌آموزان از ارزش و منافع حاصل از مهارت‌های خاص. (مک کومبز و پاپ، ۱۳۸۸، صص ۷۵ تا ۷۳)

بخش ششم: فعالیت‌هایی که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا خودشان و فرایند یادگیری خود را ارزشمند بدانند

۱-تعیین علایق و اهداف دانش‌آموزان

نظرسنجی از علایق دانش‌آموزان، ابزار ارزشمندی برای شناخت بهتر علایق شخصی دانش‌آموزان به شمار می‌رود و به اندازه خودسنجی آنان، مفید است. این کار را می‌توانید در جلسات فردی و گروهی انجام دهید. به ویژه اگر دانش‌آموزان به شما اعتماد داشته باشند و دلیل گردآوری اطلاعاتی در باب علایقشان را درک کنند، این کار با سهولت بیشتری انجام می‌شود. با ادامه صحبت‌های فردی یا مصاحبه‌های غیررسمی، شیوه مناسبی برای برقراری رابطه حسنه با دانش آموزان به وجود می‌آید تا آنان علاقه، توجه و ملاحظه خالصانه شما را احساس کنند. (مک کومبز و پاپ، ۱۳۸۸، صص ۷۷ و ۷۶) اگر معلم و مدرس با ایجاد صمیمیت موجب پرتحرکی، شوق و انتقال درست مفاهیم به دانش-آموز شود کار خود را درست انجام داده و قدم مهمی برای آموزش نوین برداشته است.

۲-کمک به دانش‌آموزان برای انتخاب هدف

انتخاب هدف اساسا یک فرآیند ساده برنامه‌ریزی است که قابلیت فراگیری دارد. دانش‌آموزان می-بایست درک کنند که اهمیت انتخاب هدف، به دلیل کسب راهبردهایی است که رؤیاهای آنان را محقق می‌سازد و آنان را به آنچه می‌خواهند می‌رساند. با انتخاب و دست‌یابی به اهداف، مردم می-توانند از زندگی بی‌هدف و بیهوده اجتناب کنند و در غنای زندگی خود بکوشند. (مک کومبز و پاپ، ۱۳۸۸، ص ۸۷) محصل اگر هدف خود را مشخص کند و در این راه گام بردارد حتی اگر شکست بخورد همچنان نگاهش به قله است. تعیین هدف کار آسانی نیست؛ لذا معلم می‌تواند به دانش‌آموز خود کمک کند و این حس را با آرامش و گفت‌وگو در او ایجاد کند. حس مسئولیت را برای او شرح دهد و منتظر رشد او باشد.

۳-مرتبط ساختن علایق و اهداف با یادگیری

رابطه کیفی بین دانش‌آموز و معلم مستلزم این است که هر کدام حوزه تخصصی دیگری را به خوبی تشخیص دهند و بپذیرند. دانش‌آموزان آگاه‌ترین فرد در حیطه علایق و اهداف خود هستند. معلم هم کسی است که نظر روشنی نسبت به محتوای آموزشی دارد و قادر است اجزاء و مهارت‌های اساسی یادگیری را تعیین کند. (مک کومبز و پاپ، ۱۳۸۸، ص ۹۰) معلم باید دانش‌آموزش را درگیر کند؛ درگیر درس و کتاب و علاقه و هدف. سؤالات متعدد موجب رشد آگاهی و هوش دانش‌آموز می‌شود. در محیط آموزشی کودک باید تجربه کند و با کار عملی، یادگیری لذت‌بخشی را امتحان کند؛ به همین دلیل سیستم آموزشی می‌تواند با ساختن کارگاه‌های کوچک، با برگزاری تئاتر و اجرای سرود و روش‌های متعدد دیگر در مدارس، دانش‌آموزان با تجربه‌ای را آموزش و پرورش دهد.

بخش هفتم: خلق فضایی در کلاس که برای دانش‌آموزان ایجاد انگیزه کند

در این زمینه سه شیوه مهم و اساسی وجود دارد که عبارتند از: نخست با ترغیب تمایلات ذاتی دانش‌آموزان به یادگیری رشد و پذیرش مسئولیت یادگیری فرصت‌هایی برای خودمختاری آنان فراهم آورید. دوم آنکه، می‌توانید دانش‌آموزان را به قبول خطر تحصیلی تشویق کنید؛ این کار برای جبران پیامدهای بالقوه منفی تجارب آموزشگاهی، چون خستگی، ترس از شکست و کناره‌گیری، مفید است. و در نهایت، می‌توانید فضای مثبتی از حمایت اجتماعی به وجود آورید تا همه دانش‌آموزان، شخصا و صادقانه، احساس ارزشمندی و احترام کنند. (مک کومبز و پاپ، ۱۳۸۸، ص ۹۹) یکی از بزرگ‌ترین مسائل پیش روی مربیان در عصر حاضر، درگیر شدن با گروه‌های گسترده و گوناگون دانش‌آموزان است. بازیکنانی که در یک کلاس درس می‌خوانند از نظر انگیزش، اشتیاق، سطح تلاش، توانایی و سبک‌های یادگیری متفاوت هستند. با این حال در مدارس، محتوا و تجارب یادگیری در قالب‌های یکسان و از پیش معلوم شده ریخته شده است و در بیشتر موارد از روش‌های سنتی یکسان برای تدریس همه موضوعات به فراگیران استفاده می‌شود. بنابراین استفاده از روش های سنتی که اغلب خشک و غیر برانگیزاننده هستند نمی‌تواند چندان موثر باشد. برای حل این مسائل می‌توان از بازی‌ها در تدریس و یادگیری بهره گرفت. بازی به دانش‌آموزان کمک می‌کند که اطلاعات را به روشی جالب و کنش و واکنشی، بررسی و کسب کنند. (عابدی درچه و بدیعیان، ۱۳۹۶، جلد اول، ص ۷)

بازی‌هایی برای پرورش و ارتقاء مهارت‌های زبانی(ادراک)، اطلاعات عمومی، حافظه، دقت، تمرکز، توجه، سرعت عمل، هماهنگی دیداری- حرکتی و تفکر انتزاعی: به عنوان مثال حیوانات عروسکی یکی از بازی‌هایی است که به این منظور اجرا شده است. در این بازی باید توالی مجسم و نیمه

مجسم رعایت شود (تا حد امکان از اشیاء و وسایل واقعی و در موقعیت واقعی استفاده کنید) همچنین می‌توان از تصاویر و اصول قصه‌گویی برای دانش‌آموزان استفاده گردد. (عابدی درچه و بدیعیان، ۱۳۹۶، جلد اول، ص ۷)

بازی‌هایی برای پرورش و ارتقاء مهارت‌های زبانی (ادراک و بیان)، اطلاعات عمومی، حافظه، دقت، تمرکز، توجه، تفکر منطقی، استدلال، تفکر انتزاعی و تجزیه و تحلیل: برای این مورد می‌توان از کارت‌های تصاویر استفاده کرد که باید روی پیشانی نصب شود و براساس جملات توصیفی حدس زده شود. در این بازی توانایی کودک در کاربرد صحیح و به جای واژه‌ها به صورت نوشتاری و شفاهی در پیشرفت او نقش بسزایی دارد. باید توضیحات، مستقیم و ساده نباشد مگر در اواخر بازی. همچنین توضیحات گمراه‌کننده و دور از ذهن نیز نباشد. (عابدی درچه و بدیعیان، ۱۳۹۶، جلد اول، صص ۲۴و ۲۳)

بازی‌هایی برای پرورش و ارتقاء حافظه، دقت، تمرکز، توجه، سرعت عمل، تفکر منطقی، مهارت‌های عددی و مفاهیم ریاضی، هماهنگی دیداری- حرکتی، سازماندهی ادراکی، ادراک دیداری و تجسم فضایی: دانش‌آموزان باید به عنوان جواهرساز سفارش‌هایی که به آنها داده می‌شود با مهره‌های رنگی را در اسرع وقت حاضر کنند. تعدادی مهره در رنگ‌ها و شکل‌های متفاوت فراهم شود و سر هر مهره باید سوراخ شود تا بتوان از آن نخ را رد کرد. الگویی برای دستنبند و گردنبد بکشید با استفاده از کش مهره‌ها را دور کش بیندازید با توجه به الگو. چیدمان کلاس باید به شکل uباشد. توالی از جمله پیش نیازهای ریاضی محسوب می‌شود که در آزمون‌های گوناگون هوش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. توالی را برای کودک یادآوری کنید توالی روزهای هفته، توالی ماه‌ها و توالی فصل‌ها. (عابدی درچه و بدیعیان، ۱۳۹۶، جلد اول، صص ۸۰ و ۷۹) حاصل همه این بازی‌ها و ارتقای مهارت‌ها، علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان و ایجاد انگیزش در آنها و تعیین هدف است. انگیزه‌ای برای تقویت حافظه، هوش و تمرکز. آماده کردن یک فرد باهوش در جامعه نیازمند همه این مقدمات است. مقدماتی که با تلاش و کوشش خود دانش‌آموز و ایجاد انگیزه توسط معلم به نتیجه می‌رسد. ایجاد فضای مناسب و زیبای کلاس و محیط آموزشی نیز باعث ترغیب دانش‌آموز می‌شود و انگیزه او را نیز تقویت می‌کند. ما از بدن‌هایمان درس‌هایی گرفته ایم. از این رو برای دوچرخه‌سواری یا بازی پینگ‌پنگ نیازی نیست راهنمایی را مطالعه کنیم. وقتی بدن‌هایمان چیزی را یاد می‌گیرند، هرگز آن را فراموش نمی‌کنیم. این نوع هوش را می‌توان برای کمک به بچه‌ها در یادگیری مهارت‌های ذهنی‌شان به کار گرفت. (شر، ۱۳۹۵، ص ۱۳) در ادامه بازی‌هایی که برای ترغیب و توانمندسازی مهارت دانش‌آموزان بر شمردیم به چند نمونه دیگر از این بازی‌ها اشاره می‌کنیم:

بازی‌هایی که مهارت‌های کلامی زبان را ارتقاء می‌دهد: این مهارت‌ها شامل شناخت زبان، خواندن، نوشتن و صحبت کردن است و شناخت معنی کلمات و درک اصطلاحات و بازی با کلمات و نقش آنها را نیز در برمی‌گیرند. بچه‌هایی که در این مهارت‌ها قوی هستند، در بازی با کلمات، داستان-پردازی، بحث روی نوشتن خلاقانه و لطیفه‌گویی مثبت عمل می‌کنند. آنها درک خوبی دارند و روی کلمات فکر می‌کنند. بچه‌ها، برای شروع به مهارت‌های کلامی نیاز دارند. از آنجا که گسترش مهارت‌های زبان به توانایی خوب گوش دادن نیاز دارد، بازی‌هایی وجود دارد که در آن شنیدن بیشترین بخش بازی است. (شر، ۱۳۹۵، صص ۷۴ و ۷۳) معلم می‌تواند با قصه و داستان مهارت‌های تفکر خلاق و راه تقویت استعدادهای خلاقانه را به دانش‌آموز بیاموزد. با همین روش، دانش‌آموز اشتیاق ذاتی پیدا می‌کند و به یک فرد باسواد و مسئول تبدیل خواهد شد؛ زیرا قصه و داستان خصوصا از ادبیات کهن این مرز و بوم سرآغاز پی‌ریزی آینده و سرنوشت ماست.

بازی‌هایی که مهارت‌های ریاضی را ارتقاء می‌دهد: مهارت‌های ریاضی شامل توانایی برای پردازش ذهنی معادلات و مسائل منطقی و نیز درک اعداد و روابط آنها با یکدیگر است. مهارت‌های ریاضی، ادراک شده‌ترین مهارت‌های شناختی است و اغلب در تست‌های استاندارد چند گزینه‌ای دیده می‌شود. افرادی که توانایی درک ریاضی بالایی دارند، قادر به حل مسائل پیچیده ریاضی و پردازش معادلات منطقی سریع‌اند. تمام این مهارت‌ها موثر به نظر می‌رسد؛ ولی نیاز به شروع دارد. در سطح اول یادگیری ریاضی، بچه‌ها باید بتوانند بشمارند، اعداد را تشخیص دهند عمل جمع و منها را انجام دهند. در این روش از انواع نمایش و بازی‌ها برای آموزش به کودکان استفاده می‌کند. (شر، ۱۳۹۵، صص ۱۱۴ و ۱۱۳)

بازی‌هایی که مهارت‌های حسی- حرکتی را ارتقاء می‌دهد: مهارت‌های حسی- حرکتی، کنترل حرکات بدن مثل تعادل، تحرک و جنب‌وجوش، خوش‌اندامی و حس عمل و واکنش بدن در موقعیت-های فیزیکی را دربر می‌گیرند. برخی افراد، ذاتا اندامی چون ورزشکاران دارند و حتی پیش از تمرینات ورزشی از مهارت‌های بدنی قوی برخوردارند. به هرحال مهم نیست از کجا شروع می‌کنیم، زیرا می-توانیم مهارت‌های حسی حرکتی خود را با تمرین و تجربیات گوناگون بهبود بخشیم. بچه‌هایی که در هوش حسی حرکتی خود قوی هستند، به حرکت نیاز دارند. آنها نوازش را دوست دارند و آن را یاد می‌گیرند. در ضمن در فعالیت‌هایی مثل ورزش، هنر، صنایع‌دستی، تئاتر، کارهای مکانیکی و استفاده از رایانه ماهرند. البته بچه‌ها از ابتدای تولد درباره بدنشان و چگونگی حرکت دادن آن چیزهایی یاد می‌گیرند. (شر،۱۳۹۵، صص ۱۴۸ و ۱۴۷) ورزش در مدارس باید اهمیت داده شود؛ چون علاوه بر پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های مهمی مانند بیماری قلبی، دیابت، سرطان و... مؤثر است، بر افزایش

هوش دانش‌آموز نیز تأثیر بسیار زیادی دارد. کودکان کم‌تحرک و غیرفعال در معرض ابتلا به زوال عقل و بیماری قرا می‌گیرند و شرایط زندگی آنها نیز در بزرگسالی تهدید می‌شود.

بازی‌هایی که مهارت‌های میان فردی را ارتقاء می‌دهند: مهارت‌های میان فردی، نوعی توانایی برای تعامل متقابل با سایرین، درک آنها، تفسیر رفتارشان و احساس آرامش در مشارکت با آنهاست. همانند حیوانات اجتماعی، وقتی با سایرین درگیریم، رشد و پیشرفت می‌کنیم و برای موجودیت اجتماعی خود به این مهارت‌ها نیاز داریم. بچه‌هایی که در مهارت‌های میان فردی قوی هستند، در پی مشارکت با دیگران‌اند و به آسانی قادرند زبان بدن، حالات چهره و تن صدای آنها را تفسیر کنند و بدین ترتیب به آن پاسخ دهند. بازی‌های این بخش، راه‌هایی برای مشارکت شما و فرزندانتان با دیگران است. بچه‌ها به زمان راحت و بدون استرسی برای ارتباط با خود اجتماعی‌شان نیاز دارند. بازی‌های گروهی، همکارانه هستند و هدفی مشترک دارند. تمام بازی‌ها نشان می‌دهد که کودکان محصل از اجتماعی بودن شاد و خوشحال می‌شوند. (شر، ۱۳۹۵، صص ۲۱۲ و ۲۱۱)

بخش هشتم:کلاس درس محلی است که در آن رفتار معلم، ضربدر تعداد فراگیرانش می‌شود

در مورد فراگیری که احساس خستگی دارد: (آقا یا خانم خسته شدیم): معلم در ابتدا این نظر فراگیر را به کل کلاس برگرداند: بچه‌ها (دانش‌آموزان) شما چطور؟ نظر شما چیه؟ در صورتی که آنان این نظر را تأیید کردند، آنگاه معلم یکی از راهبردهای رفع خستگی و تمرکز بخشی در کلاس را اجرا کند. برای مثال چند دقیقه استراحت دادن، در کلاس دعوت به ایستادن یا چند حرکت نرمشی. در صورتی که کل کلاس این نظر را تأیید نکردند، آنگاه معلم به همان فراگیر، فرصت و اجازه چند دقیقه‌ای دهد، که به خارج از کلاس رود، و دست و روی خود را بشوید و هوای تازه‌ای استشمام کند و سپس برگردد. (نقیه، ۱۳۹۷، ص ۶۹)

کلاس هر معلم پل صراط اوست: در مورد نسخه‌های معنوی: -معلم سعی کند به مصداق حدیث« الوُضُوءَ نور» (من لا یحضره الفقیه، جلد ۱، ص ۴۱) با وضو وارد کلاس شود.

-به مصداق آیه ﴿حَسُنَ اولئکَ رَفیقا﴾ (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۶۹) با توسل به ائمه اطهار (ع) وارد کلاس شود.

در این حالت معلم جو و موقعیت کلاس را با موقعیتی دیگری که "بدون وضو و بدون توسل" به کلاس می‌رود مقایسه و سنجش کند. به عبارت دیگر، معلم خودش دست به تجربه بزند.

-به رغم اینکه همه ائمه اطهار (ع) یکی هستند، (کلهم نور واحد) اما اهل علم گفته‌اند، در مورد مسائل فکری و علمی به مولا امیرالمؤمنین (ع) متوسل شوید.

-مهم‌ترین رمز و راز زندگی برای هر انسانی و از جمله معلمان آن است که جمله ذیل را درک کنند: " خداوند مرا دوست دارد"

شناخت این موضوع موجب آرامش و نشاط بخشی معلمان خواهد شد. (نقیه، ۱۳۹۷، ص ۷۲) کودکان ذاتا موجوداتی معنوی و پاک هستند؛ آنها به طور طبیعی به محیط اطراف خود کنجکاو هستند، اگرچه برای آموختن معنویات کودک هستند اما می‌توان با روش‌های دیگری که در بالا اشاره شد به پرورش معنویت در کودک بپردازیم. معلم عقاید و دین را برای دانش‌آموز بیان کند، وقت بگذارد و با رفتار خود جنبه‌های عملی دین را برای کودک نمایان سازد.

بخش نهم: ظرافت معلم در بکارگیری حیطه‌های آموزشی

متخصصان و اندیشمندان هدف‌های آموزشی را به سه حیطه (قلمرو) تقسیم‌بندی کرده‌اند:

حیطه شناختی (ذهنی): حیطه‌ای است که شامل توانایی‌های ذهنی آدمی است.

حیطه عاطفی (نگرشی): حیطه‌ای است که مربوط به احساسات، عواطف، خلقیات و نگرش آدمی است.

حیطه روانی- حرکتی(عملی): حیطه‌ای است که شامل بعد عملی و مهارتی آدمی است.

هر سه حیطه به شکل مجزا و جداگانه مطرح شده‌اند اما در عمل با یکدیگر ارتباط کاملا نزدیک و تنگاتنگی دارند. از میان انواع حیطه‌ها، حیطه شناختی نقش اساسی و بنیادی دارد، زیرا جنبه آگاهی و شناخت آدمی را شامل می‌شود. تحقق‌یابی و ارزشیابی از حیطه عاطفی دشوارتر است، به دلیل اینکه جنبه نگرشی و ارزشی دارد.

حیطه شناختی شامل شش طبقه است:

۱-دانش ۲-فهم ۳- کاربرد ۴- تجزیه و تحلیل ۵- ترکیب ۶- ارزشیابی

حیطه عاطفی پنج طبقه دارد:

۱-دریافت (توجه کردن) ۲- واکنش (پاسخ دادن، عکس‌العمل) ۳- ارزش‌گذاری ۴- سازماندهی ارزش‌ها ۵- تبلور

حیطه حرکتی پنج طبقه دارد:

۱-تقلید (مشاهده کردن) ۲- اجرای مستقل ۳- دقت ۴- هماهنگی حرکات ۵- عادی شدن (نقیه، ۱۳۹۷، صص ۷۴ و ۷۳)

بخش دهم: ظرافت‌های معلم در کاربرد الگوهای فعال تدریس

امام علی النقی(ع): «اِنَّ العالِمُ وَ المُتَعَلِّمُ شریکانِ فی الرُشد» (بحارالانوار، جلد ۷۵، ص ۳۶۷): معلم و فراگیر هر دو در رشد شریکند.

در اینجا باید به ارتباط نوع الگو با فعالیت فراگیران و با محور ارزشیابی از فراگیران پرداخته شود.
الف) ارتباط نوع الگو با فعالیت فراگیران:
□ براساس نوع الگوی فعالی که معلمان انتخاب می‌کنند، نوع فعالیت فراگیران نیز متفاوت خواهد بود.
□ در الگوی دریافت مفهوم، فعالیت‌های مشاهده کردن، فکر کردن، حدس زدن و خلاقیت در فراگیران تقویت می‌شود.
□ در الگوی تدریس اعضای تیم، فعالیت‌های مطالعه فردی، بحث گروهی و تدریس در گروه در فراگیران پرورش می‌یابد.
□ در الگوی قضاوت عملکرد، آشنایی با معیارهای درست انجام یک عمل و نقد و قضاوت در مورد عملکرد یکدیگر در فراگیران پرورش می‌یابد.
ارتباط نوع الگو با محور ارزشیابی از فراگیران:
□ براساس نوع الگوی فعالی که معلمان و مدرسان انتخاب می‌کنند، محورهای ارزشیابی از فراگیران متفاوت خواهد بود. (نقیه، ۱۳۹۷، صص ۸۳ تا ۸۰)

بخش یازدهم: جنبه‌های آموزشی نمایش خلاق در مدرسه

در بحث تقویت مهارت‌های زبانی در مورد اصول قصه‌گویی اشاره‌ای شد؛ به طور مفصل در این رابطه توضیح می‌دهیم. امروزه نمایش خلاق در اجتماعات پیشرفته، جزء برنامه آموزشی مدرسه قرار گرفته است؛ زیرا به این اصل روانشناسی پی برده‌اند که کودک وقتی قصه‌ای را می‌شنود یا می‌خواند، علاقه‌مند است خود را با خصایص قهرمان‌های آن داستان در خیال خود همانندسازی کند. اکنون به بیان برخی از جنبه‌ها و امتیازات کاربردی نمایش خلاق در برنامه‌های آموزش ابتدایی پرداخته می‌شود، تا آموزگاران و مربیان محترم و مسئولان آموزشی در آموزش و پرورش بهتر و بیشتر با امکانات وسیع و امتیازات این فعالیت آفریننده و سازنده آشنا شوند.

۱-تحلیل ادبی
۲-مهارت گوش دادن
۳-زبان محاوره
۴-اندیشیدن خلاق
۵-برنامه‌ریزی برای انتقال تصورات ذهنی به حرکات عینی

نقش آموزگار در ارزیابی نمایش خلاق به منظور غنا بخشیدن به کار بچه‌ها و روشنگری و راهنمایی برای نمایش‌های بعدی است. آموزش و پرورش باید فرصت‌هایی را فراهم کند تا کودکان ارزش‌ها و

مهارت‌های لازمی را بیاموزند که به کمک آن بتوان یک اندیشه انتزاعی را بـه یـک واقعیـت عینـی تبدیل کرد. ساعات برنامه‌ریزی نمایش خلاق، برای کودک، مقدماتی تجربی را فراهم می‌کند که طی آن می‌تواند یک مفهوم ذهنی را به طور برنامه‌ریزی شده به یک محصول عینی تبدیل کند. مراحـل خلق یک نمایش، نیازمند یک برنامه‌ریزی واقعی اسـت. نمـایش خلاقـی کـه از راه برنامـه‌ریـزی و انتخاب یک اندیشه و گسترش مرحله به مرحله آن تا واقعیت و اجرا، انجام شده باشد، فصلی مهم در کار یادگیری و یاد دادن است. (پشت دار، ۱۳۷۶، صص ۱۰۶ تا ۹۷)

بخش دوازدهم: تعریف قصه و قصه گویی

بی‌شک نخستین مرحله از فرهنگ انسانی در قالب شفاهی و غیر مکتوب شکل گرفته است؛ بنابراین ادبیات در معنای عام، آنکه بخشی از فرهنگ انسانی است، در نتیجه قصه و قصه گویی بخش بزرگی از فرهنگ غیر مکتوب انسانی را در بر می‌گیرد این بخش با صفت شفاهی عجین اسـت. بـا اختـراع وسایل پیشرفته ارتباطی در جهان هنوز صاحب‌نظران و قصه‌شناسان برآنند که قصه‌گـویی بـا همـان شیوه‌های سنتی و کهن خود گویاتر و رساتر است، بلکه نمی‌توان قصه‌گویی را غیرشفاهی کرد. هـیچ گروه و اجتماعی نیست که از نعمت "قصه" و نقل حکایت‌های دینی و حماسی و اجتماعی بـی‌بهـره بوده باشد. شاید یکی از دلایل عمده علایق انسان به قصه فراغت خاطری است کـه از قبـل آن بـه وی دست می‌دهد؛ از سوی دیگر نفس آدمی طوری است که ذاتا از تذکر و نصیحت مستقیم گریزان است؛ انسان بیشتر مایل است حقایق جهان هستی را که عموما تلخ و برخلاف خواست اوست به طور غیرمستقیم بشنود و ببیند. قرآن کریم نیز در داستان صـالح بـه نقـل از ایـن پیـامبر(ع) گفتـه اسـت: ﴿من شما را پند دادم؛ اما می‌دانم که شما نصیحت کنندگان را دوست ندارید.﴾ (قـرآن کـریم، سوره اعراف، ایه ۷۹) کودکان از بزرگسالان گریزانتر از نصیحت و پند مستقیم‌اند، به همین دلیـل در بیشتر اجتماعات انسانی قصه و داستان بهترین بستر انتقال مفاهیم و پیام‌های فرهنگـی بـوده اسـت. (پشت دار، ۱۳۷۶، صص ۲ و ۱)

نمایش خلاق: از اهداف مهم تربیتی قصه‌گویی در دبستان، توانا ساختن دانش‌آموزان است به این که افکار و عواطف خود را بهتر تعبیر و بیان کنند. این تعبیر ممکن است به چند روش انجام گیرد:

الف) گفتار، که شخص فقط با کلمات، عواطف و برداشت‌های خود را از قصه بیان می‌کند.

ب) گفتار همراه با حرکات و هیجان که نمایش ناطق نام دارد.

ج) تنها با حرکات و هیجان بی آن که سخنی گفته شود، که آن را نمایش ساکت (پانتومیم) گویند.

د) گاهی این تعبیر با وسایل دیگر چون رسم، نقاشی، موسیقی، مجسمه سازی و... انجام می‌گیرد.

نمایش خلاق (وانمود بازی) جزئی از طبیعت و شخصیت انسان در سنین کودکی است. همه کودکان

در همه جای دنیا با هر فرهنگ و آداب و رسومی، بیشترین وقت فراغت خود را به بـازی و وانمـود - بازی از حرکات بزرگ‌ترها و درگیر شدن در ماجراهای تخیلی می‌گذرانند. بازهایی مانند: خالـه بـازی، مهمان بازی، دزد و قاضی و.... اینگونه بازی‌ها در حقیقـت نـوعی آمـوزش مقـدماتی بـرای ورود بـه اجتماع واقعی بزرگسالان در آینده است. هرگاه فضای مناسب و آشنا فـراهم شـود و کودکـان در آن احساس امنیت خاطر پیدا کنند، آنگاه آموزگار می‌تواند مقدمات نمایش خلاق را فـراهم کنـد. اجـرای نمایش خلاق در دوره آمادگی کودکستان و کودکان سالهای اول دبستان موفقیت آمیزتر خواهد بـود. (پشت دار، ۱۳۷۶، صص ۸۲ و ۸۲)

* انواع نمایش های خلاق از حیث مضمون قصه‌ها

-قصه‌های سرگرم کننده

-قصه‌های حکمی آموزنده

-قصه‌های کوتاه

-قصه‌های بلند

* انواع نمایش خلاق از نظر رفتار و حرکات قهرمانان

-داستان‌های پهلوانی(حماسی)

-داستان‌های تاریخی

-داستان‌های اجتماعی

-حکایت‌های طنزآمیز

-داستان‌های ماجرایی و هیجان‌انگیز

بخش سیزدهم: نظریه‌های مدیریت

کار مدیران مدارس حتی قبل از دبستان در حقیقت کیفـی کـردن مراقبـت و آمـوزش کودکـان و در عین‌حال تعیین راه‌حل‌ها و مسائل برای والدین و عموم است. آنها باید طـرح‌ریـزی، کـاربرد و اداره و کنترل اعمال و طرح‌های آموزشی را در زمینه‌های مختلف به عهده بگیرند. یک سیستم با کـارایی و بودجه‌بندی موثر که بتواند انواع روابط شخصی و مراقبت‌های پرسنلی را تسهیل نماید برای کودکـان خردسال نیازمند است. و چنین روندی بدین منظور باید ایجاد گردد. (مفیدی، ۱۳۷۱، ص ۸) یک مدیر در این مکتب تشخیص می‌دهد که وظیفه‌اش شامل اداره و کنترل رفتـار انسـانی در قالـب و حیطـه مأموریت سازمانی است. بنابراین، دو نکته اساسی باید مورد توجه قرار گیرد، یکی تکالیف و وظـایفی که باید به انجام برسند و دیگری نیازها و اهداف افراد درون سیستم که باید بـرآورده شـوند. قسـمت اعظم کار مدیر در اصل یک کار ادراکی- شناختی است. علاوه بر این یک امر مهم وجـود دارد و آن

انتخاب کارکنان و معلمان شایسته می‌تواند به برآوردن نیازهای افراد کمک کند و کودکان ماهری تربیت کند. (مفیدی، ۱۳۷۱، ص ۱۱) اختراع مهم‌ترین محرک برای پیشرفت‌های بیکران در زندگی خصوصا در بیست سال اخیر است. چالش‌های آینده بشریت را نیازمند دامنه گسترده‌تری از اختراعات می‌کند. هدف از آموزش خلاق، این نیست که مخترعین تحویل جامعه دهیم، که مانند ادیسون هاران اختراع داشته باشد؛ بلکه هدف این است که بهای خلاقیت، اختراع و طراحی را هر چه بیشتر به دانش‌آموزان بیشتر بشناسانیم و حداکثر استفاده را از توانایی‌های آنها بکنیم. فراگرد اختراع و رفتارهای ذهنی باید در آموزش و پرورش ترویج داده شود و توسط حمایت‌های مناسب اجتماعی پرورش داده شوند. ما باور داریم که رواج تفکر مبتکرانه و خلاق به نفع جامعه در تمام سطوح قابل پرورش است. (فهندژ و معصومی، ۱۳۸۴، صص ۴۶ و ۴۵)

با سؤال‌های آگاهی‌دهنده مشوق تفکر خلاق باشد: برای پرورش تفکر خلاق و تخیل دانش‌آموزان باید از طرح سؤال‌هایی که فقط یک جواب درست دارند، پرهیز کنیم. از پرسیدن سؤالات سنتی و تستی دوری کنیم. ممکن است که بعضی از معلمان با خود فکر کنند، که تفکر خلاق قابل یادگیری و یاد دادن نیست. معلم باید در ذهن دانش‌آموزان کشش ایجاد کند باید بتواند، توانایی‌های اندیشیدن دانش‌آموزان را تشخیص دهد. معلمان می‌توانند، سؤالاتی که مناسبت سنی دارند، طرح کنند و مرتب آنها را عوض کنند. در سؤالات باید به رشد و توانایی‌ها، کیفیت کار، نوآوری و احساس و اندیشه توجه شود. (فهندژ و معصومی، ۱۳۸۴، صص ۶۶ و ۶۵)

محدودیت برای ایجاد خلاقیت چیز خوبی است: در آموزش خلاق، تکالیفی که دارای محدودیت هستند؛ شرایط تغییر عادات کاری دانش‌آموزان را فراهم می‌کنند. وقتی که به دانش‌آموزان اجازه داده نشود که یک روش آشنا را تکرار کنند، کوشش‌های خلاق اضافی ظهور می‌کنند. تا آنجا که سطح مشکل معقول باشد، یادگیری جدید به وقوع می‌پیوندند و شیوه‌های جدید آموخته می‌شوند. الزامات در یک تکالیف قلمرویی را که دانش‌آموز در آن اجازه عملکرد دارد، باریک‌تر می‌کنند، و دانش‌آموز راحت‌تر می‌تواند بر روی یک مسئله یا موضوع تمرکز کند.

در دنیای امروز ضروریست که دانش‌آموزان ما دارای تفکر انتقادی با ارزش‌های قوی باشند. تقلید به عنوان یک شیوه یادگیری برای برآورده ساختن این هدف محدودیت دارد. وقتی که ما از تقلید به عنوان شیوه یادگیری استفاده می‌کنیم، باید فورا با شیوه‌های دیگری که نیازمند نوآوری، حل مسئله و نقد مرور فرآیندهاست، آنها را تکمیل کنیم. (فهندژ و معصومی، ۱۳۸۴، صص ۷۳ و ۷۲)

بخش چهاردهم: اقدامات عملی در طراحی یک برنامه تحصیلی کـه تفکـر خـلاق و انتقادی را بهبود می‌بخشد

قدم اول: یک مدل معتبر و عملی تفکر تعیین کنید.

گونه های تفکر		
همگرا/ تفکر انتقادی	**فراشناختی**	**تفکر خلاق/ متنوع**
تجزیه و تحلیل اجزا ارتباطات در یک سیستم	کنترل ارزیابی و بازبینی تفکرات خود	تولید تعدادی گزینه‌های ممکن
مقایسه گزینه ها		تولید گونه‌های مختلفی از گزینه‌های امکان پذیر
استنباط و تفسیر داده ها		تولید چیزهای ابتکاری و اصیل در میان گزینه‌های ممکن
ارزشیابی ارزش نسبی گزینه‌ها		

در جدول بالا گونه‌های تفکر مرتبط به هم ارائه شده است که توسط آن واژه‌هـا، بـه صـورت کـاملا مفید درک می‌شود. (فهندژ و معصومی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰)

قدم دوم: نوع تفکری را که باید با بروندادهای یادگیری درآمیزند، تعیین کنید

بروندادهای یادگیری (مقاصد) تعیین می‌کنند که دانش‌آموز در نتیجه مطالعه یـک واحـد درسـی چـه کارهایی را می‌تواند، انجام دهد. به بیان دیگر، لازم است که بر روی برنامه تحصـیلی از نقطـه نظـر شایستگی به صورت گسترده‌ای تمرکز کنیم. براساس چنین پایه‌ای است که شما می‌توانیـد، تمرکـز خود را بر روی چگونگی تفسیر کاربرد حقیقی محتوای یک مدل برنامه تحصیلی در دنیـای حقیقـی، معطوف کنید و نوع تفکری را که شالوده توانایی‌ها را در اینگونه فعالیت‌ها می‌گذارند، تعیین کنید.

قدم سوم: در محتوای یک رشته، حوزه‌های کلیدی را تعیین کنید

در یک برنامه تحصیلی خلاق، باید تأکید بر روی دانشی باشد که بر روی چند چیـز کلیـدی تمرکـز می‌کند. آنچه این دانش باید بر روی آن تاکید کند، مفاهیم کلیدی، مدل‌ها و اصول اساسی برای قابل درک کردن موضوع آموزشی و همینطور برآورده ساختن بروندادهای یـادگیری مـی‌باشـد. دانـش در اینجا منبعی است که از آن به منظور کاربرد هدفدار و معنی‌دار، استفاده می‌شود.

قدم چهارم: روش‌های آموزشی و تکالیف یادگیری را به منظور توسعه دادن تفکر، تعیین کنید

شاید این قدم مستقیم‌ترین قدمی باشد که برای برنامه‌ریزی باید بردارید، اما در عمـل ممکـن اسـت

انجام آن مشکل باشد. از مهم‌ترین تحقیقات این نتیجه به دست آمده است کـه تفکـر، یـک فرآینـد فعال است که نیازمند به یک برنامه آموزشی تعاملی و مشارکتی است. تکنیک‌ها و مدل‌های یادگیری زیادی وجود دارد که برای بهبود تفکر دانش‌آموزان مفید هستند.

قدم پنجم: عنوان‌های ارزشیابی حقیقی طراحی کنید، توسط آن‌ها انواع تفکر را ارزیابی کنید

ارزشیابی به صورت بنیادی از نقطه نظر تأثیر بر آنچه دانش‌آموزان یاد می‌گیرند و همینطور چگونگی یادگیری آنها مهم است. (فهندژ و معصومی، ۱۳۸۴، صص ۱۰۳ تا ۱۰۰) برنامه‌ریزی تحصیلی، یکی از مهم‌ترین راه‌های مدیریت زمان و تعیین هدف است. آموزش و پرورش می‌تواند دانش‌آموزان را در همان مقطع ابتدایی با برنامه‌ریزی تحصیلی آشنا کند و آنها را مقید به انجام آن کند، همچنین بـرای دانش‌آموز به صورت تفصیلی مزایای این روش را توضیح دهد؛ چرا که باعث بالا رفتن سطح علمی و موفقیت دانش‌آموز می‌شود. در طراحی یک برنامه‌ریزی درست و موفق باید بـه شـرایط دانـش‌آمـوز توجه شود، باید با انعطاف‌پذیری و تغیر همراه باشد؛ زیرا اگر برنامه‌ریزی، سخت و بدون تغییـر بمانـد دانش‌آموز خسته و ناامید می‌شود و استقبال نمی‌کند.

بخش پانزدهم: برنامه تحصیلی خلاق در اینترنت

آموزشگران خلاق می‌توانند دیوارهای کلاس را شکسته و دنیا را در کف دست شاگردان خود بگذارند. توسط مودم کامپیوتر، می‌توان در حالی که دانش‌آموزان در یک‌جا نشسته‌اند، به سـفرهای دور و دراز بروند. در اینجا می‌خواهیم ببینیم که مدارس معتبر دنیا چگونه از اینترنت برای خـلاق کـردن برنامـه تحصیلی خود استفاده می‌کنند. یکی از مدارس ابتدایی در چینوکالیفرنیا، یکی از مسـئله هـای دشـوار هندسه را توسط ایمیل با پروفسور" جیـل چروتیـزو" در میـان گذاشـت. ایـن مدرسـه از تارنماهـای اینترنتی این پروفسور به عنوان تخته‌سیاه اینترنتی استفاده کرد و پروفسـور جیـل چروتیـزو؛ مفـاهیم کلیدی ریاضی را برای علاقه‌مندان ریاضی، از طریق "وب سایت" خود توضیح داد. در یکی دیگـر از مدارس نیویورک، مدیر مدرسه به دانش‌آموزان اجازه داده است که از طریق گـپ زدن در اتـاق‌هـای اینترنتی، با متخصصان مختلف در رشته‌های مختلف از دارو گرفته تـا فضـانوردی، صـحبت کننـد، و دامنه دوستان خود را گسترش دهند، بچه‌ها از این طریق توانسته‌اند در نیوزلند، هلند و جنوب آفریقـا، برای خود دوست‌هایی پیدا کنند. بعضی از جاهای جغرافیایی را با نشان دادن شهرهایی کـه دوسـتان اینترنتی در آنجا زندگی می‌کنند به آنها می‌آموزند. جغرافی به این روش برای دانـش‌آمـوزان ابتـدایی بسیار لذت بخش است. مکان‌های دیدنی، سوغاتی و دیگر عکس هایی که از شهرشان گرفته بودنـد توسط اینترنت به دوستانشان نشان می‌دادند. (فهندژ و معصـومی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵) البتـه در کشـور عزیز ما آنقدر مکان‌های دیدنی و جاذبه‌های گردشگری وجود دارد که این برنامه می‌تواند بـه خـوبی

اجرا شود. لذا ایجاد فضای مجازی امن و متناسب با فرهنگ ایرانی- اسلامی یکی از دغدغه‌های اصلی والدین است. ورود به این دهکده کوچک جهانی نیازمند آماده‌سازی ذهن و ترسیم فضایی امن برای دانش‌آموز است. در این مرحله علاوه بر سیستم آموزشی، والدین نیز باید به کمک معلمان بشتابند و توانایی کنترل کودک خود را در دست گیرند. محیط آموزشی می‌تواند با ایجاد اینترنت مطمئن و شناسایی مبانی تربیت اسلامی و توجه به چالش‌های تربیتی، علاوه بر آموزش سریع و جذاب، به متمرکز نمودن دانش‌آموزان و تعاملات دو سویه و ارتباطات صوتی و تصویری، دانش‌آموز را باهوش و با تجربه پرورش دهد. اینترنت برنامه تحصیلی را غنی تر می‌کند. اینترنت شاهراهیست که توسط آن دانش‌آموزان می‌توانند، به جایی برسند که شاید در غیر این صورت نمی‌رسیدند. (فهندژ و معصومی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶)

نتیجه گیری

مدارس می‌توانند اجتماعاتی فراگیر و منسجم باشند و دانش‌آموزان و معلمان را با یکدیگر همراه کند. در شرایط فرهنگی امروز با توجه به حجم گسترده اطلاعات و ابزارهایی که در اختیار نوجوانان است و با توجه به بالا رفتن قدرت تجزیه و تحلیل آن‌ها نسبت به گذشته، روش‌های سنتی توان مقابله با تبلیغات مخرب فرهنگ غرب و تهاجم فرهنگی را ندارند؛ آنچه که باعث می‌شود کودکان و نوجوانان ما در برابر این تهاجم ضعیف شوند، روحیه انفعالی است که به واسطه آموزش یک‌سویه و غیرفعال در آنها ایجاد می‌شود. در مقابله با تهاجم فرهنگی، علاوه بر آموزش اخلاق به صورت غیرمستقیم، باید روحیه نقد و تحلیل و کاوش‌گری را در دانش‌آموزان بالا برد و آنها در برابر فرهنگ بیگانه حفظ کنیم. دانش‌آموزان باید با تفکر و اندیشه، قوه خلاقه خود را به کار اندازند، طرح و نقشه بکشند و دست به نوآوری بزنند. آنان باید متناسب با استعدادها و قوای درونی خویش آنچه را که نیست به وجود آورند و آنچه را که هست و اشتباه هست تصحیح کنند. معلمان باتجربه باید آموزش را با تحقیق و تفکر همراه کنند و از طریق درگیر کردن خود دانش‌آموز با موضوع مورد بحث در کلاس، وی را به فعالیت وادارند؛ البته این روش ممکن است کند باشد اما آموزشی عمیق و ماندگار به ارمغان می‌آورد. آموزگار باید مراقب باشد تا خلاقیت و یادگیری دانش‌آموز به هرج و مرج تبدیل نشود. یادگیری باید در محیطی منظم و با رفتار معقول و مناسب همراه باشد، معلم باید به دانش‌آموز اجازه دهد تا با انجام فعالیت، خودشان به نتیجه برسند و نتیجه درس را به سرعت و صراحت بیان نکند. لذا با توجه به آنچه که گفته شد روش‌های جدید و ارائه محتوای درسی به صورت شعر و نقاشی برای دانش‌آموزان گیرایی مطالب را دو چندان می‌کند. باید فضاهایی را در خصوص بازی‌هایی که فکر، اندیشه و مهارت‌های ذهنی، بروز خلاقیت و ابتکار در دانش‌آموز را هدف قرار می‌دهد در محیط آموزشی و

پرورشی مدرسه ایجاد کنیم. معلمان علاوه بر آموزش دروس باید فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی را به دانش‌آموزان یادآور شوند و در مورد آداب و اخلاق اسلامی، دانش‌آموزان را آگاهی دهند؛ زیرا این مطالب در همان سنین کودکی در وجود شخص نهادینه می‌شود. استفاده از پیشرفته‌ترین ابزارهای الکترونیکی و اینترنتی دانش‌آموزان را با دنیای ماورا آشنا می‌کند؛ البته در استفاده از اینترنت باید راه مقابله با تبلیغات و آموزش‌هایی که در جذاب‌ترین قالب‌های هنری به جوانان و نوجوانان ما در مدرسه القا می‌شود را روشن و نمایان کنیم و با فکر و خلاقیت در چهارچوب قانون و مقررات اسلامی به مبارزه با تسلط فرهنگ غرب و استفاده ابزاری از اینترنت بپردازیم و با پرورش روحیه کاوش‌گری و تحلیل وقایع، نوجوان و جوان خود را در مقابله با این خطر بزرگ در امان نگه داریم. گرایش به اخلاق و اخلاقیات مهم‌ترین سرمایه برای پرورش این روحیات است؛ کودک را باید با مفاهیمی چون سعه صدر، گذشت، تعامل با افراد مختلف و کنش‌ها و واکنش‌های متقابل و برجسته کردن قوای ادراکی و احساسی آشنا کنیم و او را برای ورود به مراحل جدید زندگی با آرامش و درک اوضاع پیرامون خود آماده کنیم؛ که البته این کار با ایجاد روابط و مناسبات سالم و صمیمی میان معلم و دانش‌آموز شروع به جوانه زدن می‌کند. معلم با توجه و تمرکز بر روی خصوصیات و صفات برجسته دانش‌آموزان، عامل جذب و کشش هریک از آنها می‌شود در این صورت است که محیطی آکنده از صمیمیت و تحکیم و تسلط قوی، زمینه ساز پرورش و بروز استعدادهای دانش‌آموزان می‌شود. شنیدن داستان‌های متعدد درباره اقوام کشور و سرزمین مادری برای دانش‌آموزان بسیار جذاب است، به همین دلیل برای آموزش می‌توان از هنر قصه‌گویی استفاده کرد. این روش هم هیجان انگیز است و هم فرصت بسیار خوبی برای شناساندن فرهنگ اقوام و ملل مختلف را فراهم می‌آورد.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم
۱- اسمیت، جان. (۱۳۹۶)، آب، بابا... افلاطون: مباحثه، تفکر و فلسفه در کلاس‌های ابتدایی، ترجمه (سید مجید کمالی، سیده هاجر هاشم‌زاده). (چاپ اول). تهران: نقد فرهنگ
۲-الماسی، علی‌محمد. (۱۳۷۷). تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، تهران: امیرکبیر.
۳-پشت‌دار، علی محمد. (۱۳۷۶). قصه‌گویی و نمایش خلاق، (چاپ اول). تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
۴-المجلسی، الشیخ محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ه. ق). بحارالانوار، (جلد ۷۵). تهران: مؤسسه الوفاء.
۵-قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه. (۱۳۶۳). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶-آقازاده، محرم. (۱۳۸۴). راهنمای روش‌های نوین تدریس: بر پایه پژوهش‌های مغز محور، ساخت-گرایی، یادگیری از طریق همیاری، فراشناخت و...تهران: آییژ.
۷-مفیدی، فرخنده. (۱۳۷۱). مدیریت مراکز پیش‌دبستانی، (چاپ سوم). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۸-شر، باربارا. (۱۳۹۵). بازی‌های کودکانه برای ارتقای سطح هوش، ترجمه (آزیتا نجات‌مهر). تهران: آرایان.
۹-علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۳). مقدمات مدیریت آموزشی، (چاپ چهل و ششم). تهران: روان.
۱۰-فهندژ، محبوبه. معصومی، حسین. (۱۳۸۴). برنامه تحصیلی خلاق، (چاپ اول). خرم‌آباد: سروش هدایت.
۱۱-نقیه، مجید. (۱۳۹۷). ظرافت‌های معلمی: ۶۷۸ نکته کاربردی برای معلمان و دبیران، تهران: بین‌المللی گاج.
۱۲-عابدی درچه، منیره. بدیعیان، راضیه. (۱۳۹۶). بازی‌های آموزشی برای تقویت هوش شناختی: آی‌کیو، (جلد اول). اصفهان: یارمانا.
۱۳-مک کومبز، باربارا. پاپ، جیمز. (۱۳۸۸). پرورش انگیزه در دانش‌آموزان: رهیافت‌ها و راهکارهای عملی برای معلمان، ترجمه (صغری ابراهیمی قوام). (چاپ سوم). تهران: رشد.